

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی - پژوهشی
سال پنجم - شماره اول - بهار ۱۳۹۱ - شماره پیاپی ۱۵

شگردهای استفاده سعدی از آیات قرآن

(ص ۶۷ - ۷۸)

امید مجد (نویسنده مسئول) ، الهه آبین^۲
تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۵/۱۸
تاریخ پذیرش قطعی: ۹۰/۱۰/۱۹

چکیده:

شاعران و نویسندگان پارسیگوی در اشعار و آثار خود به طرق گوناگون از آیات و مفاهیم قرآنی بهره برده‌اند و دیدگاه قرآنی در آثارشان نفوذ چشمگیر و قابل توجهی داشته است. شیخ اجل سعدی شیرازی نیز از جمله شاعرانی است که بدلیل آشنائی کامل با قرآن کریم، بهره‌های زیادی از این کتاب آسمانی در آثار خود برده و توانسته گفتار خود را هرچه بهتر و دل‌انگیزتر جلوه دهد. شیوه سخن و گفتار سعدی در آثارش از جهات مختلف قابل بررسی و تعمق میباشد و ما در این مقاله سعی بر آن داشته‌ایم که به انواع شگردهای استفاده سعدی از آیات قرآن بپردازیم و پاسخگوی این سوال باشیم که آیا سعدی در بهره‌گیری از آیات قرآن همچون شاعران دیگر عمل نموده و یا اینکه علاوه بر شگردهای معمول و شناخته شده، شیوه‌های ابتکاری دیگری را نیز مدنظر قرار داده است؟ به عبارت دیگر در پی آنیم که ببینیم آیا سعدی در این زمینه روشهای را از خود خلق نموده که تنها منحصر به خودش باشد یا خیر؟ برای بررسی تغییرات احتمالی تفسیری در شعر سعدی به چهار تفسیر مرجع زمان سعدی تحت عناوین تفسیر کشاف، نسفی، سوراآبادی و مفاتیح‌الغیب نیز مراجعه شده است.

کلمات کلیدی:

سعدی، آیات قرآن، تغییر کاربرد آیات، استنباط ذوقی.

۱ - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران info@omidmajd.com

۲ - کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

مقدمه :

همانگونه که در چکیده مطرح شد سوال اساسی این پژوهش این می‌باشد که آیا سعدی در کاربرد آیات قرآن در آثار خود به شگردهای شناخته شده بسنده نموده یا شگردهای خاص دیگری را نیز پیش چشم داشته است؟

حضور قرآن در آثار سعدی به چند شکل بارز است که در اثنای مقاله به تک تک آنها اشاره میشود. چنانکه میدانیم نخستین کتابهائی که پیرامون مباحث بلاغی تألیف شد، بر آن بود که اعجاز و بلاغت قرآن را نمایان سازد^۱. ادبیت قرآن چنان آشکار است که علمای اسلام از میان علوم بایسته در فهم قرآن، علم لغت و ادب و شعر عربی را نیز برشمرده‌اند: « چاره ای نباشد آنرا که خواهد در تفسیر تصنیفی کند از آنکه از همه علوم که این کتاب (قرآن) متضمن آن است با بهره باشد خصوصاً علم ادب یعنی لغت، نحوهٔ تصریف و علم نظر و بلاغت و صنعت شعر» (ابوالفتح رازی، تفسیر، ۴/۱-۵).

باری شعرا و نویسندگان پارسی از دیر زمان از قرآن و حدیث در سخن خود بهره برده‌اند، برای مثال میتوان به نمونه‌هائی که صاحب ترجمان البلاغه ذیل « فی معانی الآیات بالابیات» ذکر کرده، اشاره کرد. در این فصل رادویانی ابیاتی را از رودکی نقل کرده است که به تأثیر از آیات قرآن سروده شده: « و یکی از جملهٔ صناعات آنست کی شاعر بیتی گوید کی معنی وی نزدیک بود بمعنی قول خدای عز و جل، چنان کی در محکم کتابست قول تعالی: منها خلقناکم و فیها نُعیدُکم .

رودکی گوید :

چنانکه خاک سرشتی به زیر خاک شوی بنات خاک و تو اندر میان خاک آگین

چنانکه از این بیت منقول از رودکی آشکار میشود، استفاده از عبارات قرآنی از ابتدای ظهور شعر رسمی و درباری فارسی وجود داشته و در سبک عراقی به اوج خود رسیده است؛ چنانکه بهاءالدین خرمشاهی تحقیق کرده اقتباسها و تضمینهای مولانا از قرآن و اشارات و تلمیحات او به آیات و عبارات قرآنی به حدود چهار هزار آیه میرسد و بنا بر تحقیق او در دیوان حافظ کما بیش پنج هزار بیت میتوان یافت که به هفتصد تا هشتصد تلمیح و تصریح به آیات و شخصیت‌های قرآنی وجود دارد. بنابراین سنت بهره‌گیری از قرآن،

۱ - در کتب بلاغی و فارسی نیز در ذیل هر مباحث مثالهای بسیاری از بلاغت قرآنی ذکر شده است (از جمله نک: کتاب الصناعین فی الممثاله (ص ۲۷۸)، فی التعطف (ص ۳۳۷)، فی المضاعفه (ص ۳۴۱) و مثالهای بسیار دیگر).

به لفظ یا معنی پیش و پس از سعدی وجود داشته و نکته مورد محض در این نوشتار شگردها و روشهای خاص سعدی در بهره گیری از قرآن است .

سعدی و دیگران :

علاوه بر آنکه قرآن معیار فصاحت و بلاغت است و شاعران و نویسندگان با استفاده از آیات و احادیث توانائی خود را در سخنوری به نمایش میگذارند ، با استشهاد به قرآن و سخن معصوم تأثیر سخن خویش را افزون میکنند ؛ زیرا استشهاد به قرآن دارای خاصیت قانع کنندگی و پذیرش مخاطب است . بنابراین استفاده از قرآن و حدیث پیش از سعدی بیشتر جنبه تأکیدی و استشهادی داشته و به منظور بازداشتن از عملی یا ترغیب به کاری ، بکار گرفته میشد و گنجاندن آیه یا حدیث بدان جنبه مُسکِت میبخشید . با نگاهی به اشعار خاقانی و انوری و ناصر خسرو و بسیاری دیگر این نکته آشکار میشود که این سخنوران از قرآن برای تأیید سخن خود – که معمولاً جنبه تعلیمی و اندرزی داشته – استفاده نمیکرده اند . بنظر میرسد اولین بار سعدی بود که از آیات قرآن به این شیوه خاص بهره برده است و با نگاهی ادبی به جملات قرآنی از آنها تصاویر شعری ساخته ، فی الواقع شعرا و نویسندگان پیش از سعدی کتاب و سنت را بعنوان وسیله‌ای مؤثر در اثبات هدف یا تأکید در بیان امری بکار میگرفته اند و هیچگاه بر آن نبودند تا از جملات قرآن تصویر شعری بسازند . شاید بتوان از میان شعرای پیش از سعدی ، نظامی را مستثنا کرد ، البته این استثنا بدان معنا نیست که نظامی نیز توانسته یا خواسته مانند سعدی و با ایجاز کلام قرآن تصویرسازی کند، بلکه مقصود آنست که داستانها و روایات قرآن دستمایه بسیاری از تصاویر خیالی منظومه های نظامی شده است که از آن میان میتوان به توصیفات و تشبیهات بسیاری که در ابتدای هر منظومه نظامی درباره معراج پیامبر و کیفیت آن آمده ، اشاره کرد. نکته دیگر آنکه استفاده از کتاب و سنت معمولاً در آثار حکمی و عرفی و ادب تعلیمی مرسوم بوده است نه ادب غنائی و احساسی ، ولی سعدی با اعجاز و خلاقیت خاص خود از قرآن در بیان مضامین غنائی نیز بهره گرفته است .

علاوه بر استفاده های ذوقی و اقتباساتی که سعدی از کلام وحی کرده ، موارد بسیار دیگری نیز وجود دارد که به مانند پیشینیان از قرآن بعنوان تأیید سخن خود بهره گرفته است که ممکن است به صورت استفاده لفظی و مستقیم از قرآن باشد یا نقل به مضمون . در ادامه مقاله انواع شگردهای خاص سعدی در بهره گیری از قرآن را برشمرده ایم .

انواع شگردهای استفاده سعدی از آیات قرآن عبارتند از :

۱- استفاده مستقیم همراه با لفظ عربی:

این شیوه بدینگونه می‌باشد که شاعر یا نویسنده عین آیه مورد نظر یا جزئی از آنرا با لفظ عربی ، در کلام خود می‌گنجاند و به توضیح مفهوم و موضوع مورد نظر می‌پردازد که با آیه نیز تناسب دارد . استفاده از این شیوه منحصر به سعدی نیست بلکه شاعران و نویسندگان دیگر نیز در آثار خود بوفور از این روش بهره برده‌اند . برای روشن شدن مطلب چند مثال از آثار سعدی ذکر میکنیم :

* «یکی بر سر راهی مست خفته بود و زمام اختیار از دست رفته ، عابدی بر وی گذر کرد و در آن حال مستقیح او نظر کرد . جوان از خواب مستی سربرآورد و گفت : اذا مروا باللغو مروا کراماً (گلستان ، ص ۲۲۰) اشاره دارد به آیه :

«وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزَّوْرَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا». (۷۲/ فرقان)

* بزرگی را پرسیدم از سیرت اخوان صفا گفت : آنکه مراد خاطر یاران بر مصالح خویش مقدم دارد و حکما گفته‌اند : برادر که در بند خویش است ، نه برادر و نه خویش است ... چون نبود خویش را دیانت و تقوی قطع رحم بهتر از مودت قریبی یاد دارم که مدعی در این بین بر قول من اعتراض کرده بود و گفته : حق تعالی در کتاب مجید از قطع رحم نهی کرده و به مودت ذی القربی فرموده و این چه تو گفستی مناقض آنست . گفتم غلط کردی که موافق قرآن است .

«وإن جاهدك علي إن تُشركَ بي ما ليسَ لكَ به علمٌ فلا تُطعهُما» آدمی را توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند و اگر آندو بکوشند که تو برای من شریک قرار دهی ، در چیزی که بدان آگاهی نداری از آن دو اطاعت مکن» (گلستان ص ۲۲۸) که از آیه ۱۵ لقمان اقتباس شده : «وإن جاهدك علي أن تُشركَ بي ما ليسَ لكَ به علمٌ فلا تُطعهُما»

* «یکی از حکما پسر را نهی همی کرد از بسیار خوردن که سیری مردم را رنجور کند ... گفت : اندازه نگهدار ، «كُلُوا واشربوا و لا تُسرفوا» (گلستان ، ص ۲۴۹) که اشاره‌ای دارد به آیه : « يا بني آدمَ خذوا زينتكم عند كلِّ مسجدٍ و كُلووا واشربوا و لا تُسرفوا إِنَّه لا يُحبُّ المُسرفينَ». (۳۱/ اعراف)

* «یکی را از ملوک عرب ، حدیث مجنون لیلی و شورش حال او بگفتند : ... بگفتندش تا حاضر آوردند و ملامت کردن گرفت ... گفت :

کاش کآنان که عیب من جستند رویت ای دلستان بدیدندی
تا بجای ترنج در نظرت بی خیر دستها بریدندی
«فَذَالِكَ الَّذِي لُمْتُنِّي فِيهِ». (گلستان ، ص ۳۸۷)

که به بخشی از آیه ۳۲ یوسف اشاره دارد: «قالت فذالكن الذي لمتني فيه و لقد راودته عن نفسه فاستعصم ولئن لم يفعل ما أمره لیسجنن و لیکونا منا الصاغرین» .
چنانکه گفته شد این شیوه استفاده از آیات قرآنی ، خاص سعدی نیست و در شعر دیگر شعرا نیز آمده است ، بعنوان مثال سه نمونه از دیگر شعرا ذکر میگردد :

تنگ آمدست زلزله الارض هین بخوان بر مالها و قال الانسان مالها
(دیوان خاقانی ، ص ۴)
«إذا زلزلت الأرض زلزالها، و أخرجت الأرض أثقالها، و قال الانسان مالها» (۱ تا ۳ زلزله)
عقل کی ماند چو باشد مرده او کل شیئی هالک الا وجهه
(مثنوی، دفتر سوم ، بیت ۴۶۶۱)

«کل شیء هالک الا وجهه» (۸۸/قصص)
زلف زمین در بر عالم فکند خال عصى بر رخ آدم فکند
(گزیده مخزن الاسرار ، ص ۴۲)

«فَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى» (۱۲۱ / طه)

۲- استفاده مستقیم بدون لفظ عربی:

این شیوه نیز مانند شیوه قبلی در میان همه شاعران و نویسندگان رواج داشته و منحصر به سعدی نبوده است . در این روش شاعران و نویسندگان تنها معنی و مفهوم آیه مورد نظر را که با کلام خودشان تناسب دارد در گفتار خود به صورت مستقیم ذکر میکنند ؛ بدون اینکه به لفظ عربی آیه مورد نظر اشاره نمایند . بدلیل کثرت مثال در این مورد فقط بذکر چند نمونه اکتفا میشود. مانند :

*همین کام و ناز و طرب داشتند به آخر برفتند و بگذاشتند(بوستان،بیت ۳۰۱)
« كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَ عَيْونِ» (۲۵/دخان)
* زیان میکنند مرد تفسیردان که علم و ادب میفروشد به نان
(بوستان،بیت ۱۱۸۰)

«اشترؤا بآیاتِ اللهِ ثمنًا قليلًا» (۹/توبه)
به ذکرش هرچه بینی در خروش است دلی داند در این معنی که گوش است
(گلستان ، ص ۱۰۵)

« يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ» (۱/تغابن)
* جوانمرد و خوشخوی و بخشنده باش چو حق بر تو باشد تو با بنده باش
(کلیات ، ص ۱۱۸۲)

«أَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ الْيَك» (۷۷/قصص)

*عزیزی و خواری تو بخشی و بس عزیز تو خواری نبیند ز کس
(بوستان، بیت ۳۹۱۵)

«تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ» (۲۶/آل عمران)

۳- تغییر دادن کاربرد آیه :

این شیوه همانگونه که از نام آن برمی آید بیانگر اینست که شاعر و یا نویسنده ضمن ذکر قسمتی از لفظ عربی و یا معنی و مفهوم آیه ، آنرا تغییر کاربردی میدهد ، یعنی مفهوم و موضوع خاصی را که آیه در مورد آن بیان شده ، دچار دگرگونی میکند و با موضوع خاص خود تطبیق میدهد . این شگرد در میان شاعران و نویسندگان دیگر بندرت کاربرد داشته ولی در سعدی تکرار زیادی دارد .

این شگرد خاص ، خود به دو بخش تقسیم میشود یکی استنباط ذوقی و دیگری استفاده طنز آمیز از آیات.

۳-۱ استنباط ذوقی:

در این روش شاعر یا نویسنده مفهوم و معنی آیه را در مورد موضوعی که میخواهد به بیان آن بپردازد ، تغییر میدهد و به مفهوم اصلی آیه و اینکه چه کسی و یا چه موضوعی بکار برده شده توجهی ندارد بلکه تنها از واژه‌های آیه مورد نظر برای توضیح بیشتر موضوع خود استفاده میکند .

* بتهدید اگر برکشد تیغ حکم بمانند کروبیان صم و بکم (بوستان، بیت ۲۵)
«صم بکم عمی فهم لا يرجعون» (۱۸/بقره) این آیه بنابر تفاسیر قرآن در مورد کافران و منافقان آمده است . چنانکه در تفسیر کشاف شرح داده شده :

« تسمیه تشبیهها بلیغا لا استعاره لأن المستعار له مذكور و هم المنافقون»

(کشاف، ج ۱، ص ۷۷)

ولی سعدی آنرا بصورت مثبت و در مقام تحیر و تعجب برای کروبیان بکار برده است .
عجب نیست این فرع از آن اصل پاک که جانش بر اوجست و جسمش به خاک
(بوستان، بیت ۱۷۲)

که اشاره به آیه ۲۴ سوره ابراهیم دارد : «كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» (۲۴/ابراهیم). در این آیه در تفاسیر قرآن ، کلمه طیبه را توحید^۱ میدانند ولی سعدی آنرا برای مدح ممدوح خود بکار میبرد.

۱ - برای نمونه : کشاف ، ج ۲، ص ۵۵۳ / سوراآبادی ، ج ۲، ص ۱۲۲۷ / نسفی ، ج ۱، ص ۴۸۷

* گنه هم ببخش ای جهان آفرین که گر با من آید فبئس القرین
(بوستان ، بیت ۲۰۴۱)

که از آیه ۳۸ زخرف استخراج شده : «حتی إذا جاءنا قال یا لیت بنی و بینک بعد
المشرقین فبئس القرین» . بئس القرین در قرآن برای شیطان آمده است^۱ ولی سعدی آنرا
در مورد گناه بکار میبرد .

* چنان تنگش آورده اندر کنار که پنداری اللیل یغشی النهار
(بوستان، بیت ۲۹۷۰)

بخشی از مصراع دوم از آیه ۵۴ اعراف است: «ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض
فی سته ایام ثم الستوی علی العرش یغشی اللیل النهار» . این آیه در قرآن در مورد آفرینش
آسمان و زمین است^۲ ولی سعدی آنرا در مورد مرد سیاهپوستی که زنی سپیدپوست را در
کنار آورده، می آورد .

* به تشنیع و دشنام و آشوب و زجر سپید از سیه فرق کردم چو فجر
(بوستان ، بیت ۲۹۷۳)

که اشاره دارد به آیه : «حتی یتبین الخیط الابيض من الخیط الأسود من الفجر» (۱۸۷/بقره).
این آیه در تفاسیر مختلف در مورد روزه داری و زمان آن^۳ آمده است ولی سعدی آن را در
مورد همان مرد سیاهپوست و زن سپیدپوستی که در مثال قبلی ذکر شد بکار برده است .

* یکی زجر کردش که تبت یداک مرو دامن آلوده در جای پاک
(بوستان ، بیت ۳۸۰۴)

که با توجه به آیه یکم مسد سروده شده : «تبت یدا ابي لهب وتب»
تبت یداک در قرآن و بر اساس تفاسیر قرآن تنها بعنوان نفرینی برای ابولهب آمده، ولی
سعدی آنرا برای فردی دیگر بعنوان ناسزا بکار برده است .

* مالداري را شنیدم که به بخل چنان معروف بود که حاتم طائی در کرم ... شنیدم
بدریای مغرب اندر ، راه مصر برگرفته بود و خیال فرعون در سر، حتی إذا أدركه الغرق، بادی
مخالف کشتی برآمد ، دست دعا برآورد و فریادی بیفایده خواندن گرفت ، وإذا ركبوا فی
الفلک دعوا الله مخلصین له الدین.(گلستان، ص ۲۷۵) که از آیه ۶۵ عنکبوت گرفته شده است :
«فإذا ركبوا فی الفلک دعوا الله مخلصین له الدین فلما نجاهم إلى البر إذا هم یشرکون» .
نزول این آیه در شأن مشرکان^۴ میباشد؛ ولی سعدی آنرا برای مردم گدا طبع بکار برده است!

۱ - برای نمونه : مفاتیح الغیب ، ج ۲۷ ، ص ۶۲۳ / نسفی ، ج ۲ ، ص ۹۲۵

۲ - برای نمونه : مفاتیح الغیب ، ج ۱۴ ، ص ۲۵۵ / کشاف ج ۲ ، ص ۱۰۹

۳ - برای نمونه : سوره آبادی ، ج ۱ ، ص ۱۶۴ / نسفی ، ج ۱ ، ص ۵۹ / کشاف ، ج ۲ ، ص ۲۲۹

۴ - برای نمونه : سوره آبادی ، ج ۳ ، ص ۱۸۷۳

* قضا نقش یوسف جمالی نکرد که ماهی گورش چو یونس نخورد
(بوستان، بیت ۳۸۹۰)

که تلمیحی به آیه ۱۴۲ صافات دارد: «فَالْتَقَمَهُ الْحَوْتُ وَ هُوَ مُلِيمٌ».

این آیه اشاره دارد به داستان حضرت یونس (ع) و افتادن او در شکم ماهی ولی سعدی این آیه را برای منظور دیگری بکار برده و از ماهی تحت عنوان گور تعبیر نموده است. وی در بیتی دیگر همین آیه را در معنای غروب خورشید بکار میبرد:

* قرص خورشید در سیاهی شد یونس اندر دهان ماهی شد
(گلستان، ص ۲۲)

* نبینی که حق جلّ و علا در محکم تنزیل از نعیم اهل بهشت خبر میدهد که «اولئک لهُم رِزْقٌ مَعْلُومٌ» تا بدانی که مشغول کفاف از دولت عفاف محروم است و ملک فراغت زیر نگین رزق معلوم. (گلستان، ص ۲۶۳)

که اشاره دارد به آیه: «لَا عِبَادَ لِلَّهِ الْمُخْلِصِينَ اَوْلَئِكَ لَهُم رِزْقٌ مَعْلُومٌ» (۴۱ صافات)، داشتن رزق معلوم در این آیه برای بندگان مخلص است اما سعدی آنرا به توانگران نسبت داده است.

* چو بختش نگون بود در کاف کن نکرد آنچه نیکانش گفتند کن
(بوستان، بیت ۶۸۷)

که اشاره‌ای به آیه: «اِذَا قُضِيَ اَمْرًا فَاِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (۴۷ / آل عمران) دارد. سعدی آنرا درباره پادشاهی که به پند دیگران گوش نمیدهد آورده است حال آنکه در تفاسیر قرآن در شأن حضرت عیسی (ع) آمده است. (کشاف، ج ۱، ص ۳۶۴)

* تو با خود ببر توشه خویشتن که شفقت نیاید ز فرزند و زن
(بوستان، بیت ۱۱۳۲)

که مقتبس است از آیه ۸۸ شعرا: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ و لَا بَنُونَ» یعنی اموال و پسران در روز قیامت بکار نمی‌آیند. در هیچ تفسیری از «بنون» به پسر و همسر یاد نشده، اما سعدی آنرا به همسر انسان نیز نسبت میدهد.

* بر مرکب استطاعت سوارانند و نمیدانند. قدمی بهر خدا نهند و درمی بی منّ و اذی ندهند. (کلیات، گلستان، ص ۲۶۲). این عبارت برگرفته از آیه: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ اَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مَا اَنْفَقُوا مَنْا و لَا اُذَى» (۲۶۲/بقره) است که بنابر نظر مفسران این آیه در قرآن خطاب به مؤمنان میباشد (سورآبادی، ج ۱، ص ۲۳۲)، ولی سعدی فارغ از تفسیر آن، آیه را به توانگران نسبت داده است.

۲-۳ طنز

این شگرد تا حدودی شبیه به استنباط ذوقی میباشد با این تفاوت که شاعر و نویسنده در این مرحله پا را فراتر گذاشته و آیات را برای بیان گفتار طنزگونه خود در کلام می‌گنجاند و آنرا برای بیان مسائل طنزوار خود بکار میگیرد ولی نه با آن مفهوم و شأن نزول اصلی آیه بلکه آیه را متناسب با کلام و موقعیت مورد نظر تغییر میدهد که شیوه ایست بسیار خاص و مشکل، چراکه شاعر یا نویسنده باید آنرا بگونه ای در متن و شعر خود بیاورد که خواننده نه تنها از خواندن آن دچار سردرگمی و حیرت نشود بلکه از آن لذت دو چندان هم ببرد؛ همچون:

زن بد در سـرای مـرد نکـو هم در این عالم است دوزخ او
زینهار از قرین بد زینهار و قنار تـبـا عـذاب النـار
(گلستان، ص ۲۰۳)

سعدی مصراع چهارم را که برگرفته از آیه ۲۰۱ بقره است، بصورت طنز برای زنان ناسازگار بکار برده است که تناسبی با شأن اصلی آیه ندارد!

* ابلهی را دیدم سمین، خلعتی ثمین در بر و مرکبی تازی در زیر و قصبی مصری بر سر، کسی گفت: سعدی چگونه همی بینی این دیبای مُعلم بر این حیوان لا یعلم؟

گفتم: قد شابه بالوری حماراً عجلأ جسدأ له خواراً (گلستان، ص ۲۸۱)
مصراع دوم این شعر در قرآن در مورد گوساله پرستی قوم موسی بعد از رفتن او به کوه طور میباشد ولی سعدی آنرا بگونه ای طنزوار برای فرد توصیف شده آورده است.

* خطیبی کریمه الصوت خود را خوش آواز پنداشتی و فریاد بیهوده برداشتی، گفتی نعیب غراب البین در پرده الحان اوست یا آیت ان انکر الأصوات در شأن او (گلستان، ص ۳۲۵). که قسمت آخر عبارت سعدی برگرفته از آیه ۱۹ لقمان است: «وَأَغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ أَنْ تُنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لِصَوْتِ الْحَمِيرِ». در تفسیر سوره بقره آمده است: «و فرود آر آواز تو - آواز هر چند توانی برمدار که آن عیب باشد - بدرستی که زشت ترین و ناخوشترین آوازه‌ها، آواز خران است تا خلق بدانند که بلندی آواز فخر نیاید خاصه در باطل» (سوره بقره، ج ۳، ص ۱۹۱۲)
سعدی در این بیت شأن نزول این آیه را خطیبی کریمه الصوت دانسته که تناسبی با اصل آیه ندارد.

۴- بافت غنائی

یکی دیگر از بهره گیریهای ذوقی سعدی از آیات قرآن، کاربرد اصطلاحات و عبارات قرآنی در غیر بافتی است که در قرآن بکار رفته:

بوی پیراهن گمگشته خود میشنوم
 گر بگویم همه گویند ضلالی است قدیم (کلیات)

در اینجا ترکیب «ضلال قدیم» از آیه ۹۵ سوره یوسف اقتباس شده است: «آئی لاجدُ ریحَ یوسفَ لولا تُفَنِّدُون قالوا تاللهِ اِنَّکَ لفی ضلالکَ القدیم». برخی اینگونه کاربردهای قرآنی را نوعی تلمیح شمرده اند (برای مثال نک: حلبی، ۴۸: ۱۳۷۱)، اما بنظر میرسد علاوه بر تلمیح باید وجه دیگری را نیز برای اینگونه ابیات قائل شد و آنچنان که گفتیم اقتباس است؛ یعنی استفاده از یک پیش‌متن در بستر و معنایی جدید. در اینجا سعدی از داستان حضرت یوسف که در قرآن جنبه هدایتگری و انذار دارد بهره گرفته و ترکیب «ضلال قدیم» را در بستری غنایی و عاشقانه بکار برده است. از اینگونه در کلیات دیوان سعدی بسیار میتوان یافت.

مرا هر آینه خاموش بودن اولیتر
 که جهل پیش خردمند عذر نادان است
 و ما ابرءی نفس و ما از گها
 که هرچه نقل کنند از بشر در امکان است
 (کلیات: ص ۴۴۲)

که اقتباس است از آیه ۵۳ سوره یوسف «و ما ابرءی نفسی اِنَّ النفسَ امارَةٌ بالسوءِ الا ما رَحِمَ رَبی...»

مرا شکیب نمیباشد ای مسلمانان
 ز روی خوب، «لکم دینکم ولی دین»
 (کلیات: ص ۶۴۵)

که اقتباس از آیه ۶ سوره کافرون است.
 نیز ابیات:

به تشنیع و دشنام و آشوب و زجر
 سپید از سیه فرق کردم چو فجر
 چنان تنگش آورده اندر کنار
 که پنداری اللیل یغشی النهار
 که در ذیل عنوان استنباطهای ذوقی نیز به آن اشاره شده بود.

۵- حل یا تحلیل

سعدی گاه آیه یا حدیث را بطور ناقص و با تغییر وزن آن در شعری گنجانده است؛ به این نوع استفاده از آیات قرآنی که در اصطلاح به آن حل یا تحلیل (باز کردن، گشودن) میگویند در آثار شعرای پیش از سعدی، علی‌الخصوص در دیوان انوری و ناصر خسرو نیز دیده میشود و شاید بتوان گفت سعدی در این شیوه دنباله‌رو استادان پیش از خود بوده است. تحلیل را بوفور میتوان در کلیات شمس و مثنوی مولوی نیز یافت مانند این ابیات:

در «لا احبّ الافلین» پاکی ز صورتها یقین
 در دیده‌های غیب بین هر دم ز تو تمثالها
 (گزیده غزلیات شمس، ص ۲)

ای یوسف خوشنام ماخوش میروی بر بام ما «انافتحنا» الصّلا بازآ ز بام از در درآ
(همان، ص ۱۴)
«سقاہم ربّہم» خوردند و نام و ننگ گم کردند چو آمدنامہ ساقی چه نام آورد مستان را
(همان، ص ۳۳)

اشاره دارد به آیه «وَسَقِيهِمْ رَبِّهِمْ شَرَابًا طَهُورًا ۲۱/۷۶».

اکنون نمونه‌هایی از شعر سعدی:

حکیمی گفتش ای نادان چه کوشی در این سودا بترس از لوم لائم
که تعبیر «لوم لائم» با اندک تغییری از آیه ۵۴ سوره مائده اقتباس و تحلیل شده است
:«...یجاهدون فی سبیل اللہ و لا یخافون لومة لائم».

دادار غیب‌دان نگهبان آسمان رزاق بنده پرور و خلاق رهنما
سبحان من یمیت و یحیی و لا اله الا هو یحیی و یمیت فآمنّا باللّٰه و رسوله...» اعراف
۱۵۸ و همچنین آیه ۳ سوره نحل: «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ» و
آیه ۱۰۰ سوره انعام: «سُبْحَانَہ و تَعَالَىٰ عَمَّا یَصِفُونَ». چنانکه ملاحظه میشود شاعر ترکیب و
وزن چند آیه را در بیت تغییر داده است.

نتیجه:

سعدی در اشعار خود به پنج شیوه از آیات قرآن استفاده کرده است:

- ۱- استفاده مستقیم همراه با لفظ عربی ۲- استفاده مستقیم بدون لفظ عربی ۳- تغییر دادن کاربرد آیه که خود به دو دسته استنباط‌های ذوقی و استفاده طنزگونه تقسیم میشود.
 - ۴- استفاده از آیات در بافت غنائی ۵- استفاده از قرآن بصورت صفت بدیعی حل یا تحلیل.
- از میان شیوه‌های فوق، استفاده طنزگونه از آیات قرآن و نیز استفاده از آیات در بافت غنائی تا پیش از سعدی سابقه نداشته و از ابداعات اوست؛ اما سایر شیوه‌ها در اشعار پیشینیان سعدی نیز دیده شده است.

فهرست منابع :

- ۱- قرآن کریم
- ۲- العسکری ، ابی هلال الحسن بن عبدالله (۱۳۱۹ ق.) ، کتاب الصناعتين، مصر ، مطبعة محمود بک .
- ۳- الرازی ، ابوالفتوح (۱۳۳۴)، تفسیر ، تهران، چاپخانه علمی.
- ۴- الراذویانی ، محمد بن عمر (۱۹۴۹) ، ترجمان البلاغه ، بکوشش احمد آتش ، استانبول ، چاپخانه ابراهیم .
- ۵- حلبی ، علی اصغر(۱۳۷۱)، تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی ، تهران ، اساطیر.
- ۶- خاقانی شروانی، افضل الدین بدیل(۱۳۸۵)، دیوان خاقانی شروانی، بکوشش ضیاءالدین سجادی، تهران ، نشر زوار.
- ۷- خرمشاهی ، بهاءالدین (۱۳۸۳)، رستگاری نزدیک ، تهران ، نشر قطره .
- ۸- رازی ، فخر الدین (۱۴۲۰ ق) ، مفاتیح الغیب، بیروت نشر دارالاحیاء التراث العربی.
- ۹- راشد محصل ، محمدرضا (۱۳۸۰)، پرتوهائی از قرآن و حدیث در ادب فارسی ، مشهد ، انتشارات آستان قدس رضوی .
- ۱۰- راشد محصل ، محمدرضا (۱۳۸۳) ، نشانه شناسی کاربرد قرآن و حدیث در ادب فارسی . مشهد ، آهنگ قلم .
- ۱۱- زمخشری، محمود(۱۴۰۷ق)، کشف عن حقائق غوامش التنزیل، بیروت، نشر دارالکتاب عربی.
- ۱۲- سعدی ، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۴)، بوستان ، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران، نشر خوارزمی.
- ۱۳- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۵)، کلیات ، تصحیح محمد علی فروغی، تهران، نشر هرمس.
- ۱۴- سعدی ، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۴)، گلستان ، شرح و توضیح خلیل خطیب رهبر، تهران ، نشر صفی علیشاه .
- ۱۵- سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد(۱۳۸۰)، تفسیر سورآبادی ، تهران، نشر فرهنگ نشر نو.
- ۱۶- فرای ، نور تروپ ، (۱۳۸۸)، رمز کل : کتاب مقدس و ادبیات ، ترجمه صالح حسینی ، تهران، نیلوفر.
- ۱۷- مولوی، جلال الدین محمد(۱۳۷۸)، مثنوی معنوی، شرح کریم زمانی، تهران ، نشر اطلاعات.
- ۱۸- مولوی ، جلال الدین محمد ، گزیده غزلیات شمس ، بکوشش محمدرضا شفیعی کدکنی ، انتشارات علمی و فرهنگی ، تهران ، چاپ هفتم ، ۱۳۸۴.
- ۱۹- نسفی، ابوحفص نجم الدین محمد (۱۳۶۷)، تفسیر نسفی، تهران ، نشر سروش.
- ۲۰- نظامی گنجوی(۱۳۷۲)، گزیده مخزن الاسرار، بکوشش بهروز ثروتیان، تهران، نشر طوس.
- ۲۱- نظامی عروضی ، احمد بن عمر (۱۳۲۷)، چهارمقاله ، تصحیح محمد قزوینی، تهران ، کتابفروشی اشراقی .